

● دزدی، علل و درمان آن

هسته مشاوره تربیتی استان کردستان
قسمت دوم

علل دزدی

در بررسی علل دزدی می توان فاکتورهای مختلفی را مطرح نمود که هر کدام از آنها با کیفیت و کمیت خاصی در پیدایی و ادامه و گسترش نوع دزدی می توانند موثر باشند، ولی آنچه که در اینجا مد نظر می باشد این است که دزدی پدیده انحراف اجتماعی و آسیب اجتماعی است که پیدایش آن به عوامل مختلفی بستگی دارند که عبارتند از:

● علل مادی

علل دزدی از جنبه مادی اجمالاً عبارتند از:

۱ - نیازهای اولیه مادی مانند: تغذیه ناکافی، لباس نامناسب، نداشتن پول توجیبی مقرر، نداشتن اسباب بازی و غیره می تواند جرم زایی را در فرد تسریع کند.

۲ - وادار به کار کردن کودکان در سنین ابتدایی به کارهای توان فرسا: والدینی که به جهت کودک را وادار به تامین مخارج زندگی می کنند و یا بهر دلیل والدی یا والدین در زندگی کودک حضور ندارند و کودک مجبور به تامین معاش می باشد، برای نجات از سنگینی مخارج زندگی به دزدی ودمخوردن با دزدان می پردازند.

۳ - شکایت و گله والدین از مشکلات و سختی زندگی و سطح پایین درآمد، والدین با گفتن مستقیم و غیر مستقیم این مطلب بصورت کنایه یا صریح کودک را در یک وضعیت عاطفی تحریک شده قرار می دهند که از خود شجاعت و از خود گذشتگی نشان دهد و با نشان دادن بزرگی خود دست به کار و کسب درآمد بزند که در همین جریان بخاطر تجربیات محدود و تحریک دیگران و عواطف سرخورده به دزدی و دیگر امور خلاف کشیده می شود. نمونه بارز آن را می توان در بعضی از فروشندگان و کاسب کارهای کنار خیابانها و جاده ها نام برد که با سن و سال کم به کارهای خلاف قانون نیز مبادرت می ورزند.

۴ - نداشتن امکانات اولیه زندگی از قبیل: رادیو و تلویزیون،

یخچال و غیره که می تواند زمینه های عقده گشایی نوجوان را فراهم سازد و او را بسوی دزدی-وتامین این قبیل وسایل سوق دهد.

● علل روانی

گفته می شود در میان بزهکاران چهار خصلت روانی، می توان پیدا کرده که هسته اصلی شخصیت جرم را تشکیل می دهد.

— نخست خود بینی که همیشه با یک احساس عمیق بیدادگری تحمیل و منهم کردن دیگران همراه است.

— دومین خصلت بی بند و باری ناپایداری است که جرم شناسان سابقاً آنرا نبود دور اندیشی می نامیدند.

— سومین خصلت عبارت از دارا بودن صفت پرخاشگرانه و خشونت در رفتار است. طبق این تعریف، مجرم کسی است که بر جان و مال فرد یا جماعتی تجاوز کند.

— چهارمین و آخرین خصلت مربوط به بی تفاوت عاطفی در قبال قربانیان است.^{۲۰}

به نظر می رسد خصلتهای چهارگانه فوق در افرادی که دزدی را در حد حرفه ای و با سابقه های حبس و تبعید دارند دیده می شود. ولی با توجه به اینکه در کنار مشخصه های سارقین حرفه ای بی هدف ما از پرداختن به این اختلال رفتاری شناخت و درمان و پیگیری دزدی کودکان و نوجوانان در مدارس و محیط های آموزشی می باشد می توان عوامل روانی را بشرح زیر نیز بیان نمود.

۱ - ناکامی ها: جوانی که در بچگی محبت ندیده و هیچوقت مورد مرحمت کسی قرار نگرفته است و سالهای بعد به او اعتنای زیادی نداشته اند، در بزرگی، مال دیگران را بر می دارد. برداشتن مال دیگران، یعنی دزدی، به او رضایت خاطری می دهد که همیشه در جستجوی آن بوده است، یا جوانی که حس می کند تنهاست و از خانه و خانواده خود دور افتاده و در محیطی که کسی او را قبول

مردمانی که در این کشور زندگی می‌کنند، باید بدانند که هرگز نباید از خود بی‌خبر باشند. هرگز نباید از آنچه در کشورشان در جریان است بی‌خبر باشند. هرگز نباید از آنچه در دنیای بیرون در جریان است بی‌خبر باشند. هرگز نباید از آنچه در ذهن‌های ما در جریان است بی‌خبر باشند.

هرگز نباید از آنچه در سینه‌های ما در جریان است بی‌خبر باشند. هرگز نباید از آنچه در کف دست‌های ما در جریان است بی‌خبر باشند. هرگز نباید از آنچه در چشمان ما در جریان است بی‌خبر باشند. هرگز نباید از آنچه در لب‌های ما در جریان است بی‌خبر باشند.

هرگز نباید از آنچه در اندیشه‌های ما در جریان است بی‌خبر باشند. هرگز نباید از آنچه در احساس‌های ما در جریان است بی‌خبر باشند. هرگز نباید از آنچه در اراده‌های ما در جریان است بی‌خبر باشند. هرگز نباید از آنچه در روح‌های ما در جریان است بی‌خبر باشند.

هرگز نباید از آنچه در وجود ما در جریان است بی‌خبر باشند. هرگز نباید از آنچه در کائنات ما در جریان است بی‌خبر باشند. هرگز نباید از آنچه در زمین ما در جریان است بی‌خبر باشند. هرگز نباید از آنچه در آسمان ما در جریان است بی‌خبر باشند.





می بینیم کودک یا نوجوان سربزیر و آرام دیروز به نوجوانی ناسازگار و محرم تبدیل شده است.

۴ - صدمه زدن به دیگران با هدف تخلیه فشارهای روانی: کودک و نوجوانی که در زندگی همه راههای پیشرفت را بروی خود بسته می بیند و نیازهای عاطفی - روانی و مادی خود را نمی تواند ارضاء کند، سعی می کند با اتخاذ شیوه های گوناگون یا تحریک دیگران یا حمله و غارتگری و یا تباه کردن اموال دیگران به یک احساس رضایت موقت دسترسی پیدا کند.

۵ - میل به خود نمایی و تشخیص طلبی: نوجوان در دوران بحرانی بلوغ برای کسب پایگاه گروهی و ناایمنی در از دست دادن این پایگاه، برای اینکه نشان دهد دیگر اصطلاحاً «دهانش بوی شیر نمی دهد»، دست به دزدی و غارت می زند و با افتخار، اموال سرقتی را در اختیار دوستان و گروه قرار می دهد و با ایفای نقش بزهکارانه به تعلق خاطر گروهی خود پاسخ می دهد.

● علل اجتماعی

دورکیم- جامعه را مسئول بزهکاری افراد می داند. در یک نگرش جامعه شناسانه می توان نقش اجتماع در پذیرش یا طرد افراد را مورد توجه قرار داده و پایگاه اجتماعی فرد را در میان جامعه تبیین نمود. افراد به دلایل مختلفی می توانند مارک انواع بزهکاری را بر پیشانی خود داشته باشند که ما در اینجا به عمده ترین آنان می پردازیم.

۱ - والدین به عنوان الگو و سرمشق دزدی

جرم شناسان معتقدند که محیط خانوادگی از کلیه عوامل یاری کننده در ایجاد جرم، مهمتر و قابل توجه تر است.^{۲۵} اگر والدین زمینه های دزدی داشته باشند رفتار منجر به دزدی کودک را یا تشویق می کنند و یا منع نخواهند کرد. که در هر دو صورت کودک دزد بار خواهد آمد.

ندارد و به او اعتماد نمی کند، ممکن است تمام احتیاجات روحی خود را بوسیله دزدیدن مال دیگران ارضاء کند، دست به دزدی می زند.^{۲۱}

بررسیهای فراوان نشان داده است کودکانی که از نظر پیوندهای عاطفی با مادر یا اطرافیان دچار فقر شدید بوده اند اکثر به اختلالات شخصیتی و ناسازگاریهای اجتماعی و نارساییهای هوش مبتلا شده اند. این اختلالات در خانواده هایی که به عللی از هم پاشیده شده اند یا حیثاً روابط عاطفی والدین با کودک نامساعد بوده است زیاد دیده می شود.^{۲۲} و همین پیوندهای معیوب باعث می شود که کودک و نوجوان را برای مواردی چون لجبازی، دروغگویی و انتقامجویی از والدین بسوی دزدی و دیگر انحرافات اجتماعی بکشاند که در نتیجه با از دست دادن فرزند در این راه خانواده دچار نگرش منفی نسبت به وضعیت جامعه گردد.

۲ - جبران احساس حسادت و تنگ نظری: حسد آرزوی زوال نعمت برای دیگران است گاه فرد با توجه به عدم امکان دست یابی به موقعیت و منزلت افراد، وقتی نمی تواند خود به مانند آنان صاحب اموال گردد دست به دزدی می زند در صورت امکان اموال دیگران را به آتش کیننه خود می سوزاند، پریچارد می گوید: تمایل به دزدی گاهی یکی از خصوصیات جنون اخلاقی است و گاهی اگر هم تنها خصوصیت آن نباشد بارزترین آنهاست.^{۲۳}

۳ - احساس ناامنی: رفتار خشونت آمیز والدین در

منزل، وضع مغشوش خانوادگی و اختلاف بدرومادریکی از علل مهمی است که جوان را دچار نگرانی و ناامنی کرده و در خود فرو می برد.^{۲۴} وی با ایزوله کردن خود از روابط بین فردی با والدین، مجبور می شود برای برآوردن نیاز مادی خود و یا انتقام گرفتن از والدین بخاطر محدودیتها و سختگیریهای نابجا دست به دزدی بزند و پس از مدتی



بنابراین نتیجه گرفته می شود که والدین سالم از نظر عواطف و روان می توانند فرزندان سالم بیورراند و گرنه کودک خمیر مایه ای است که هر رفتار قابل مشاهده برای اومی تواند الگو قرار گیرد.

۲ - دوستان، همبازیها و همسایگان

الگوهای دزدی در این مورد را می توان زندگی در شهرها و محلات پر جمعیت مثال زد «کنله» بر مبنای بررسیهای که به عمل آورده معتقد شده است که شهرهای بزرگ که توده های انبوه جمعیت را در خود روی هم انباشته می کند، بیشتر در معرض ارتکاب جرائم مختلف قرار دارند زیرا از یکسو مردمان بیکار و ولگرد در آنها بیشتر گرد یکدیگر جمع می شوند و از سوی دیگر چون مرکز صنایع می باشند، لذا انبوهی از مردمان را که از امکانات لازم برای داشتن یک زندگی نسبتاً مؤثر محرومند دور هم گرد می آورند، در نتیجه کوچکترین عاملی به خوبی قادر است آنها را به طرف فقر سوق دهد و به ارتکاب اعمال ضد اجتماعی وادارد.^{۲۶}

۳ - ضعف دینی و سقوط ارزشهای اخلاقی خانواده

رشد مذهبی افراد تحت تأثیر نوع تربیت و خلق و خوی آنها قرار دارد و همان طور که امکان رشد و پیشرفت آن وجود دارد، هر لحظه امکان دارد متوقف شود.^{۲۷} بنابراین این رشد در خانواده اگر با تعادل و تناسب همراه باشد و عامل تشویق به عنوان مکانیزم ایجاد رفتار مطلوب مذهبی مد نظر قرار گیرد کودک شخصیتی سالم پیدا خواهد کرد و در غیر این صورت با سقوط ارزشهای اخلاقی خانواده و سستی بنیان مذهبی آنان کودک با توجه به اثر پذیری چند جانبه از خانواده و دوستان و اجتماع خیلی سریع به جمع مجرمین خواهد پیوست.

۴ - تعداد فرزندان و عدم کنترل آنان

امروزه جرم شناسان به خوبی اثبات کرده اند که تعداد

اطفال یکی از عوامل بسیار قوی ایجاد جرم است و خانواده هایی که کودکان زیادی دارند از جهات مختلف در معرض سقوط می باشند.^{۲۸}

با توجه به این نظریه وقتی والدین همه هم و غمشان این است که به هر تقدیر شکم انبوه کودکانشان را سیر نمایند و اغلب نیز موفق نمی شوند، نمی توانند والدینی کنترل کننده، تربیت کننده باشند و کودک باری به هر جهت بزرگ شده و نهایتاً روزی والدین متوجه قضیه خواهند شد که مراجع انتظامی و قضایی آنان را برای ادای باره ای از توضیحات به دادگاه خواسته باشند.

۵ - قحطی و بحرانهای ناشی از جنگ و زلزله و سیل و آتشفشان و غیره

۶ - مهاجرت و زندگی در محلهای جرم زا

۷ - جدایی پدر و مادر و نقش آن در انحراف کودک

کارشناسان مسایل اجتماعی یکی از عمده ترین علل آسیب های اجتماعی را مساله طلاق می دانند و معتقدند جدایی والدین نقش بسیار منفی و ویرانگری در شخصیت کودکان دارد و زمینه را برای ارتکاب بزهکاری در آنان فراهم می کند.

۸ - گروه و فشار گروهی

در دوران نوجوانی الگوی مورد تقلید نوجوان از والدین به گروه همسالان تبدیل می گردد و نوجوان برای نقش پذیری و ایفای نقش به دنبال اقتدار و اثبات شخصیت جدید خود هست مخصوصاً در مورد پسران، اگر در خانواده شخصیت مقتدری که پسر بتواند خود را با او «همانند» سازد، وجود نداشته باشد این فقدان در زندگی بعدی آنان مخصوصاً در دوران جوانی ظاهر خواهد شد و در این دوران پسر خود را با هر شخصیت مقتدری که در محیط او باشد «همانند» خواهد کرد در حقیقت این یکی از علل اصلی پیدایش دسته های بزهکار در میان جوانان امروزی است، زیرا رئیس دسته شخصیت مقتدری می شود که بقیه می توانند خود را با

اطلاعیه مسابقه علوم و معارف قرآنی فرهنگیان

احتراماً پیرو اطلاعیه قبلی در زمینه معرفی کتاب، به اطلاع داوطلبین شرکت در مسابقه مذکور می‌رساند کتاب تفسیر آسان (تفسیر سوره جمعه و منافقون) تألیف آقای ابوالفضل بهرام پور برای هر ۲ مرحله از مسابقه در نظر گرفته شده است (تفسیر سوره جمعه) برای مرحله اول و (تفسیر سوره منافقون) برای مرحله دوم مورد مسابقه می‌باشد.

همکاران محترم می‌توانند جهت کسب اطلاع بیشتر از چگونگی مسابقه و تهیه کتاب مربوطه با امور تربیتی استان - کارشناسی قرآن و معارف اسلامی تماس حاصل نمایند.

ضمناً سئوالات و پاسخنامه مرحله اول در ماهنامه دی ماه درج خواهد شد.

اداره کل فرهنگی و هنری
کارشناسی قرآن و معارف اسلامی

۸۸ - فصلنامه
بچه از صفحه ۲۹

۹- اعتیاد والدین درمان دزدی

دزدی هم به عنوان یک اختلال کرداری و آسیب اجتماعی احتیاج به شناخت علل و انگیزه‌ها دارد و برای پیشگیری و درمان آن بایستی ازدیدگاه جرم‌شناسی به مسئله نگریست. در بیان علل و انگیزه‌های دزدی در ابعاد مختلف زمینه‌های مقدماتی پیدایش دزدی مورد بررسی قرار گرفت و دانستیم که چگونه با انواع محرومیت‌های عاطفی روانی، مادی و معنوی و نابسامانی‌ها اجتماعی - خانوادگی و عوامل غیر مادی مانند معاشرت‌ها و دوستان فرد بسوی بزهکاری و دزدی گرایش پیدا می‌کند و پس از مدتی سراز منجلا ب دیگر مفساد اجتماعی در می‌آورد و برای خانواده جز حرمان و سرافکنندگی چیزی بجای نمی‌گذارد. اگر خانواده به سنگ بنای تربیت کودک حتی از زمان تشکیل نطفه دقت نداشته باشد، تغییرات بعدی در رفتار و منش شخص بسیار دشوار خواهد شد. کلیه دست‌اندرکاران تعلیم تربیت باید بکوشند تا به فراهم آوردن زمینه سالم پرورش شخصیت، فرد را بگونه‌ای در روند تکامل شخصیتی تشویق کنند که از همه امور جرم آفرین بگریزد و در برابر آنان به دفاع از حیثیت

اجتماعی و اعتقادی خود بپردازد، در غیر این صورت نتیجه‌ها مسکنی بیش نخواهد بود.

وقتی می‌گوئیم کودک برای انتقام گرفتن از والدین دشت به دزدی می‌زند باید بدانیم که روزی که کودک بالاخره توسط محیط زندگیش درک شود خواهد توانست خشم‌ها و امیال خویش را آزادانه بیان کند و توفیق یابد که سایر اعضای خانواده‌اش را بشناسد و با احساسات آنان که با احساسات خودش تفاوت دارد آشنا شود و قادر می‌شود که جهان پیرامون خویش را به شیوه سازگارتری درک کند و بدین گونه تصویر ذهنیش از خویشتن تحکیم بیشتری یابد.^{۲۰} و دیگر دست به هیچ عمل خلافی نمی‌زند. یونگ، روان‌تحلیل‌گر (روانکا) معروف در برخورد با کودکانی که دارای اختلالات رفتاری بودند، پس از ملاحظه دقیق رفتار کودک، روشهای درمانی را بر والدین کودک (ونه خود کودک) اعمال می‌نمود، زیرا معتقد بود کودک در متن مناسبات و تعاملات خانوادگی رشد و پرورش می‌یابد. پس اختلالات کودک، مربوط به روابط و تعاملاتی است که کودک در آن بسر می‌برد. یونگ به میزانی که می‌توانست در چارچوب تعاملات خانوادگی تغییر ایجاد نماید، واکنشهای کودک نیز تغییر پیدا می‌کرد. یعنی واکنش‌های کودک تابعی از مناسبات و الگوهای خانوادگی است.^{۲۱}